یادداشت

اسباب زحمت

محمدرضا هداوند سوری

هر ساله با رسیدن فصل سرما و وقوع بارش‌ها پلیس از رانندگان می‌خواهد از سفرهای غیرضروری بپرهیزند، اما به‌رغم این هشدار برخی از آنها بی‌توجه به این موضوع مهم دل به جاده‌ها زده که در بیشتر موارد به دلیل خرابی خودرو و نداشتن وسایل مورد نیاز از جمله زنجیر چرخ در نیمه راه مقصد مانده و به‌رغم آسیب رساندن به خود و خانواده موجبات زحمت پلیس، راهداری و هلال احمر را فراهم می‌آورند.

با وجود اینکه پلیس و گروه‌های امدادی در طول سال برای خدمت‌رسانی به کسانی که خود یا به همراه خانواده در جاده‌ها اقدام به سفر می‌کنند، متنوع‌ترین خدمات را ارائه می‌دهند، اما نوع این اقدامات در طول فصول سرد سال ویژه‌تر می‌شود، چراکه وقوع بارش‌ها به‌رغم همه مزایایی از جمله سیراب کردن منابع آبی را دارد، اما در صورت رعایت نکردن برخی از نکات ایمنی می‌تواند خسارت‌بار باشد، که در این میان بحث اصلی به وقوع پیوستن حوادث رانندگی در طول فصل پاییز و زمستان است که می‌تواند خسارت‌های بسیاری را رقم بزند. آمارهای گفته شده از سوی جانشین رئیس پلیس راهور فراجا نشان می‌دهد در حوادث رانندگی زمستان سال گذشته ۲ هزار و ۹۸۰ نفر جان خود را از دست دادند. این آمار در حالی است که عدم توانایی در کنترل وسیله نقلیه، بر اثر بارش‌ها و در بیشتر موارد نقص فنی خودروها از جمله خرابی ترمز و صاف بودن لاستیک‌ها سهم بسیاری در تصادفات داشت. بررسی‌ها نشان می‌دهد، در بیشتر مواقع بارش‌های ناگهانی و پرحجم در بازه‌های زمانی کوتاه می‌تواند به وقوع حوادث ناگواری منجر شود.

این موضوع مهم در حالی است که پلیس راهور فراجا پس از دریافت میزان نزولات جوی از منابع رسمی همچون سازمان هواشناسی از طریق رسانه‌ها اعلام می‌کند که هموطنان از تردد غیرضروری خودداری کنند و اگر مجبور به سفر هستند از ناوگان ریلی استفاده کنند، اما این هشدار در بیشتر مواقع مورد غفلت قرار می‌گیرد. اما نکته‌ای که جای دارد در این جا به آن توجه شود این است که به‌رغم بسیج تمامی امکانات پلیس و گروه‌های امدادی برای کمک به رانندگان در جاده مانده باید گفت که به دلیل محدودیت این امکانات جای دارد تا رانندگان در این زمینه همکاری لازم را به عمل آورده و به تذکرات پلیس توجه کنند. روشن است همکاری و همراهی مردم با هشدارها و توصیه‌های پلیس اول از همه ایمنی شهروندان را به همراه خواهد داشت. پلیس و امدادگران در سخت‌ترین شرایط در مسیرها حضور دارند از همین‌رو کسانی که با توصیه‌های پلیس همراه نباشند باید منتظر عواقب آسیب‌هایی که در انتظارشان است، بمانند.

پرونده ۲ مرگ مشکوک روی میز بازپرس جنایی

آرمین بینا

دو پرونده مرگ مشکوک در تهران، یکی مربوط به مرد سالخورده‌ای که در خانه سالمندان جان باخته و دیگری درباره دختر جوانی که پس از مصرف قرص روان‌گردان در خانه‌ای اجاره‌ای فوت کرده‌است، روی میز بازپرس جنایی قرار گرفت.

چند روز قبل، کارکنان یکی از بیمارستان‌های تهران با پلیس تماس گرفتند و از مرگ مشکوک مرد سالخورده‌ای خبر دادند. با حضور مأموران در بیمارستان مشخص شد مرد فوت‌شده در خانه سالمندان نگهداری می‌شده که به دلایل نامعلومی ناگهان حالش بد شده و مسئولان مرکز او را برای درمان به بیمارستان منتقل کرده‌اند، اما وی پیش از رسیدن به بیمارستان جان باخته است. کارکنان خانه سالمندان در توضیح ماجرا اعلام کردند پیرمرد بیماری خاصی نداشته و مرگ ناگهانی او برایشان غیرمنتظره بوده‌است.

شکایت خانواده از خانه سالمندان

در حالی که تحقیقات درباره علت مرگ مرد سالخورده ادامه داشت، کارآگاهان باخبر شدند خانواده او با مراجعه به اداره بهزیستی، مرگ پدرشان را مشکوک دانسته و از مسئولان خانه سالمندان شکایت کرده‌اند. با ثبت این شکایت، پرونده برای رسیدگی در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. بررسی‌های اولیه و هماهنگی با مسئولان بهزیستی نشان داد آنها با بازبینی فیلم دوربین‌های مداربسته مرکز، به رفتار مشکوک یکی از کارکنان خانه سالمندان پی برده‌اند.

ضربات مشت به سر پیرمرد

کارآگاهان با بررسی فیلم‌های ضبط‌شده دریافتند چند ساعت پیش از بدحال شدن پیرمرد، یکی از کارکنان خانه سالمندان که مردی میانسال است، با او درگیر شده و چند ضربه مشت به سرش وارد کرده‌است. با کشف این سرنخ، فرضیه نقش داشتن ضرب و شتم در مرگ مرد سالخورده قوت گرفت و کارآگاهان به دستور بازپرس جنایی، کارمند میانسال را بازداشت کردند. تحقیقات از متهم برای روشن شدن علت درگیری و بررسی ارتباط ضربات وارده با مرگ مرد سالخورده ادامه دارد.



مرگ مرموز دختر جوان در خانه اجاره‌ای ساعتی

ساعت یک بامداد جمعه ۲۱ آبان، قاضی حمید محمدی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران، با تماس مأموران پلیس از مرگ مشکوک دختر جوانی باخبر شد و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل حادثه شد. تیم جنایی پس از حضور در خانه‌ای که به صورت ساعتی اجاره داده می‌شد، با جسد دختر جوانی روبه‌رو شد که به طرز مرموزی جان باخته بود. بررسی‌های اولیه نشان داد دختر جوان همراه پسری، ساعت هفت شب از طریق یکی از سایت‌های اینترنتی این خانه را رزرو و اجاره کرده‌اند.

مصرف قرص روان‌گردان

پسر جوان در توضیح ماجرا به کارآگاهان گفت: «من و دختر جوان با هم قرص روان‌گردان مصرف کردیم. چون حالمان خوب نبود تصمیم گرفتیم چند ساعتی در این خانه بمانیم. مدتی بعد او به خواب رفت، اما هر چه صدایش کردم، بیدار نشد. موضوع را با یکی از دوستانم در میان گذاشتم و او از من خواست با اورژانس تماس بگیرم. وقتی امدادگران به محل آمدند، پس از معاینه اعلام کردند دختر جوان فوت کرده‌است.»

کارآگاهان در بازرسی از اتاق اجاره‌ای یک بسته قرص روان‌گردان کشف کردند. جسد دختر جوان برای مشخص شدن علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد و پسر جوان نیز به دستور بازپرس جنایی برای انجام تحقیقات بیشتر بازداشت شد. تحقیقات درباره جزئیات حادثه و مشخص شدن علت مرگ دختر جوان ادامه دارد.

باند افغانی‌های غیرمجاز با ربودن هموطنان خود دلار اخاذی می‌کردند

رباینده‌های غیرمجاز!

غلامرضا مسکنی

باند آدم‌ربایان خشن افغانی که با ربودن مردان افغانستانی و شکنجه وحشیانه آنها، از خانواده‌هایشان دلار اخاذی می‌کردند، با تلاش کارآگاهان پلیس آگاهی تهران متلاشی شد. اعضای این باند برای تحت فشار قرار دادن خانواده گروگان‌ها، فیلم‌های دلخراشی از بریدن بدن و حتی قطع گوش قربانیان با چاقو برای آنها ارسال می‌کردند. در جریان آخرین عملیات پلیس، مرد جوانی به نام بشیر پس از چهار روز اسارت و شکنجه از داخل سوله‌ای در جاده خاوران آزاد شد و سه نفر از آدم‌ربایان نیز به دام افتادند.



اوایل آبان‌ماه امسال، تیمی از کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران به دستور بازپرس شعبه نهم دادسرای امور جنایی، مأمور رسیدگی به پرونده ربودن مرد جوانی شدند که گروگان‌گیران برای آزادی او از خانواده‌اش ۴۰ هزار دلار درخواست کرده‌بودند.

گروگان، مرد جوانی به نام بشیر و تبعه افغانستان بود که به گفته خانواده‌اش برای کار به‌صورت غیرقانونی وارد ایران شده و در دام چند نفر از هم‌وطنانش گرفتار شده‌بود. خانواده این مرد که در کابل زندگی می‌کردند، پس از دریافت پیام‌های تهدیدآمیز و فیلم‌های شکنجه فرزندشان، از طریق نماینده سفارت افغانستان در تهران درخواست کمک کردند. نماینده سفارت افغانستان در طرح شکایت خود به بازپرس جنایی گفت: «چند روز قبل اعضای خانواده‌ای در کابل به وزارت امور خارجه مراجعه کردند و خبر دادند پسرشان بشیر که برای کار به ایران رفته، از سوی چند مرد ناشناس ربوده شده‌است. آدم‌ربایان از طریق فضای مجازی با خانواده تماس گرفته و برای آزادی او ۴۰ هزار دلار خواسته‌اند. آنها برای اینکه خانواده را وادار به پرداخت پول کنند، فیلم‌هایی از شکنجه بشیر فرستاده‌اند که در آنها چند مرد ناشناس با تیغ بدن او را می‌برند و به شدت شکنجه‌اش می‌کنند. در یکی از این فیلم‌ها نیز یکی از آدم‌ربایان با چاقو گوش بشیر را می‌برد. خانواده او به دلیل اینکه امکان حضور در ایران را نداشتند، از طریق سفارت شکایت کردند.»

ردپای آشنایان در آدم‌ربایی

با ثبت شکایت، تحقیقات تخصصی کارآگاهان مبارزه با آدم‌ربایی آغاز شد. بررسی فیلم‌های ارسالی نشان می‌داد گروگان‌گیران به احتمال زیاد از اتباع افغانستان هستند که بشیر را به بهانه اشتغال یا انتقال از مرزهای غربی فریب داده و سپس ربوده‌اند.

در ادامه تحقیقات مشخص شد خانواده بشیر پس از مشاهده فیلم‌های شکنجه، از طریق صرافی مبلغ ۴هزارو ۵۰۰ دلار برای آدم‌ربایان واریز کرده‌اند، اما بررسی تراکنش‌ها نشان داد پول در ترکیه برداشت شده‌است. این موضوع در حالی بود که هنوز سرنخ مشخصی از محل نگهداری گروگان و هویت آدم‌ربایان به دست نیامده‌بود.

کارآگاهان در جریان بررسی‌های تخصصی به این نتیجه رسیدند که احتمالاً گروگان‌گیران با خانواده بشیر آشنایی دارند، چراکه آنها از وضعیت مالی خانواده و همچنین اقامت خواهران و برادران او در کشورهای اروپایی اطلاع داشتند و به همین دلیل رقم ۴۰ هزار دلار را برای آزادی گروگان تعیین کرده‌بودند.

با قوت گرفتن این فرضیه، تحقیقات روی بستگان و افراد نزدیک به خانواده متمرکز شد تا اینکه کارآگاهان به مرد جوانی به نام نظیف رسیدند. بررسی سوابق این مرد نشان می‌داد او چند بار به صورت غیرقانونی وارد ایران شده و چند سال قبل نیز به اتهام دست داشتن در ربودن چند نفر از هم‌وطنانش از سوی پلیس امنیت بازداشت و از کشور اخراج شده‌است. با این حال، او بار دیگر به ایران بازگشته و در یک ساختمان نیمه‌کاره مشغول کار شده‌بود.

از سوی دیگر، بررسی حساب‌های بانکی نظیف نشان داد در مدت کوتاهی مبالغ قابل توجهی به حساب او واریز شده‌است. بنابراین کارآگاهان او را تحت تعقیب قرار دادند و سرانجام با طراحی یک قرار صوری و معرفی یکی از مأموران در پوشش کارگری که به دنبال کار است، موفق شدند وی را بازداشت کنند.

آزادی گروگان پس از ۴ روز شکنجه

نظیف در ابتدا هرگونه دخالت در آدم‌ربایی را انکار کرد، اما وقتی با مدارک پلیسی روبه‌رو شد، سرانجام به نقش خود در این ماجرا اعتراف کرد و محل نگهداری بشیر را در سوله‌ای واقع در جاده خاوران به کارآگاهان نشان داد.

با اطلاعات به‌دست‌آمده، تیم تحقیق بلافاصله راهی محل شد و پس از ورود به سوله، بشیر را در حالی پیدا کرد که دست و پایش بسته بود. بررسی‌ها نشان داد این مرد چهار روز در اسارت آدم‌ربایان بوده و در این مدت شکنجه‌های دردناکی را تحمل کرده‌است. در جریان این عملیات، علاوه بر آزادی گروگان، دو نفر از اعضای باند آدم‌ربایی نیز بازداشت شدند.

اخاذی بیش از ۱۵ هزار دلار از خانواده‌ها

با دستگیری متهمان و آغاز بازجویی‌ها، ابعاد تازه‌ای از فعالیت مجرمانه این باند آشکار شد. بررسی‌ها نشان داد بشیر تنها قربانی آنها نبوده و اعضای این گروه پیش از این نیز چند مرد افغانستانی را به همین شیوه ربوده و با ارسال فیلم‌های شکنجه، خانواده‌هایشان را برای پرداخت دلار تحت فشار قرار داده‌اند. در ادامه مشخص شد تعدادی از خانواده‌های قربانیان در تهران و برخی دیگر در پاکدشت از اعضای این باند شکایت کرده‌اند. همچنین تحقیقات نشان داد آدم‌ربایان در مدت کوتاهی موفق شده‌اند بیش از ۱۵ هزار دلار از خانواده گروگان‌ها اخاذی کنند.

با افشای این ماجرا، تحقیقات به دستور قاضی عظیم سهرابی، بازپرس دادسرای امور جنایی تهران، برای شناسایی سایر اعضای احتمالی باند، کشف ابعاد پنهان پرونده و شناسایی دیگر شاکیان ادامه دارد.

تصور نمی‌کردم دستگیر شویم

نظیف، سردسته باند آدم‌ربایان خشن، درباره دستگیری‌اش می‌گوید: «نقشه ما حساب‌شده‌بود و تصور نمی‌کردم پلیس بتواند به ما برسد. از آنجا که هویت مشخصی نداشتیم، فکر می‌کردم هیچ ردی از خودمان به جا نگذاشته‌ایم و دستگیر نمی‌شویم، اما کارآگاهان خیلی زود ما را شناسایی کردند و تمام نقشه‌هایمان را نقش بر آب کردند.»

گفت‌وگو با متهم

نظیف سابقه داری؟

بله. چند سال قبل در پرونده‌ای که هم‌ولایتی‌هایم با ربودن افراد از خانواده‌هایشان در افغانستان اخاذی می‌کردند، دستگیر و از ایران اخراج شدم.

چطور دوباره به ایران برگشتی؟

این بار هم به صورت غیرقانونی و برای کار وارد ایران شدم.

اما دوباره باند آدم‌ربایی تشکیل دادی؟

بله. می‌خواستم با چند آدم‌ربایی پول خوبی به جیب بزنم و برای ادامه زندگی به ترکیه یا یکی از کشورهای اروپایی بروم.

بشیر را می‌شناختی؟

بله، از بستگان دورم بود.

فکر می‌کردی خانواده‌اش در خواست ۴۰ هزار دلاری را قبول کنند؟

می‌دانستم وضعیت مالی خانواده‌اش خوب است. از طرفی، نزدیکانش در ترکیه و اروپا کار می‌کردند و وضع مالی مناسبی داشتند. مطمئن بودم برای آزادی بشیر این پول را پرداخت می‌کنند.

چقدر پول واریز کردند؟

بعد از ارسال فیلم‌های شکنجه، ۴ هزار و ۵۰۰ دلار به‌عنوان پیش‌پرداخت واریز کردند. یکی از دوستانم در ترکیه پول را برداشت و بعد از برداشتن سهم خودش، بقیه را برای من فرستاد.

چطور بشیر را ربودید؟

خبر داشتم برای کار به ایران آمده‌است. با او تماس گرفتم و گفتم کار خوبی برایش سراغ دارم. چون صدای مرا نمی‌شناخت، با او تماس گرفتم، اما برای اینکه شناسایی نشوم، خودم سر قرار نرفتم و همدستانم را فرستادم. آنها بشیر را سوار خودرو کردند و با تهدید چشمانش را بستند و به سوله انتقال دادند.

چرا گروگان‌ها را به شدت شکنجه می‌کردید؟

می‌خواستیم خانواده‌هایشان با دیدن فیلم‌ها وحشت و برای آزادی آنها پول پرداخت کنند.

تصور می‌کردی دستگیر شوید؟

نه. من و همدستانم غیرقانونی وارد ایران شده‌بودیم و هویت مشخصی نداشتیم. هر جا هم برای کار می‌رفتیم، خودمان را با هویت دیگری معرفی می‌کردیم. به همین دلیل فکر نمی‌کردم به این زودی شناسایی و دستگیر شویم.

چرا بعد از دستگیری ابتدا اعتراف نکردی؟

می‌خواستم پلیس را فریب بدهم. به مأموران گفتم بشیر خودش برای اخاذی از خانواده و خواهر و برادرهایش که خارج از کشور زندگی می‌کنند، نقشه آدم‌ربایی را طراحی کرده‌بود. ادعا کردم قرار بود بعد از دریافت پول، نیمی از آن به بشیر و نیم دیگر به من و همدستانم برسد.

با وجود فیلم‌های شکنجه، فکر می‌کردی پلیس ادعایت را باور کند؟

می‌خواستم خودم را از ماجرا کنار بکشم، اما همان فیلم‌های شکنجه باعث شد پلیس ادعای مرا باور نکند.

وای بر کم‌فروش و دروغ‌فروش

جلال مهرگان

وانت‌های میوه‌فروش دوره‌گرد در بسیاری از جاده‌ها، خیابان‌ها و محله‌های شهر به بخشی از زندگی روزمره مردم تبدیل شده‌اند، اما در کنار فروشندگان منصفی که با رعایت حقوق مشتری کسب درآمد می‌کنند، رفتار برخی از این واحدهای سیار به معضلی برای شهروندان تبدیل شده‌است. از قیمت‌گذاری فریبنده و تبلیغات گمراه‌کننده گرفته تا کم‌فروشی و استفاده از شیوه‌هایی که اعتماد خریدار را خدشه‌دار می‌کند، پرسش اینجاست که چه نهادی مسئول نظارت بر عملکرد این فروشندگان است؟

یکی از شگردهایی که شهروندان از آن گلایه دارند، درج قیمت‌هایی مبهم و گمراه‌کننده روی تابلوی وانت‌هاست. برای مثال، فروشنده‌ای روی بار پرتقال عدد درشت «۳۰» را درج می‌کند، عددی که در نگاه نخست این تصور را ایجاد می‌کند که قیمت هر کیلو پرتقال ۳۰ هزار تومان است. رهگذری که با دیدن این قیمت توقف می‌کند، پس از خرید متوجه می‌شود فروشنده مدعی است این مبلغ برای نیم‌کیلو بوده و قیمت واقعی هر کیلو دو برابر رقم اعلام شده‌است. اعتراض خریدار نیز معمولاً با اشاره فروشنده به عبارت بسیار ریزی پاسخ داده می‌شود که زیر عدد بزرگ نوشته شده‌است: «نیم‌کیلو ۳۰ هزار تومان!»

این شیوه قیمت‌گذاری، حتی اگر فروشنده از نظر خود عبارت کوچکی برای توضیح قیمت درج کرده‌باشد، مصداق روشن گمراه کردن مشتری است. قیمت باید به شکلی شفاف، خوانا و بدون نیاز به حدس و تفسیر اعلام شود. فروشنده‌ای که قصد فریب ندارد، چرا باید قیمت را به گونه‌ای نمایش دهد که مشتری در نگاه اول برداشت دیگری از آن داشته‌باشد؟



تله فروشنده: روی تابلو نوشته سیب درجه ۱- ۴۰ بعد خیلی ریز نوشته نیم کیلو!

از دروغ‌فروشی تا کم‌فروشی

شکایت دیگر شهروندان، کم‌فروشی برخی وانت‌های میوه‌فروش است. مشتری دو کیلو پیاز یا میوه خریداری می‌کند، اما پس از وزن کردن آن در مغازه یا محل دیگری متوجه می‌شود مقدار واقعی کمتر از وزن اعلام شده‌است. برای نمونه، دو کیلو محصول خریداری‌شده گاهی به یک کیلو و نیم هم نمی‌رسد. البته این موضوع درباره همه فروشندگان سیار صدق نمی‌کند و برای اثبات تخلف هر فروشنده باید بازرسی و توزین دقیق انجام شود، اما تکرار چنین گلایه‌هایی نشان می‌دهد نظارت بر ترازوها و شیوه فروش این واحدها نباید به حال خود رها شود.

مسئول نظارت کیست؟

مسئله اصلی، بلاتکلیفی در نظارت بر فعالیت وانت‌های دوره‌گرد است. سازمان میادین میوه و تره‌بار، شهرداری‌ها، دستگاه‌های نظارتی و نهادهای مسئول کنترل بازار، هر کدام چه سهمی در ساماندهی این فعالیت دارند؟ شهروندی که با تخلف مواجه می‌شود باید به کجا مراجعه و چه نهادی موظف است شکایت او را پیگیری کند؟ سال‌هاست بخشی از مردم از قیمت‌گذاری فریبنده، کم‌فروشی و نبود نظارت مؤثر گلایه دارند، اما استمرار این وضعیت، این تصور را تقویت می‌کند که تخلف در فضای شهری هزینه چندانی برای متخلف ندارد. مسئولان شهری و دستگاه‌های نظارتی باید به این پرسش پاسخ دهند؛ آیا قرار است هر فروشنده‌ای بدون ضابطه مشخص، هر قیمتی را به هر شکلی اعلام کند و با هر وزنی که خواست محصول بفروشد؟

اعتماد عمومی را با تخلف‌های کوچک نابود نکنیم

شاید کم‌فروشی نیم‌کیلو پیاز یا فریب مشتری با یک تابلوی قیمت در نگاه اول تخلفی کوچک به نظر برسد، اما تکرار همین رفتارهاست که سرمایه اجتماعی را فرسوده می‌کند. وقتی شهروند در خریدهای روزمره نیز احساس ناامنی و بی‌اعتمادی داشته باشد، آسیب آن فراتر از چند هزار تومان زیان مالی است.

آقای مسئول! شما که هر روز از کنار این وانت‌ها عبور می‌کنید، سهم نظارتی خود را کجا انجام می‌دهید؟ چرا باید شهروند برای اطمینان از قیمت و وزن یک خرید ساده، ناچار به چند بار سؤال کردن و دوباره وزن کردن کالا باشد؟ ساماندهی وانت‌های دوره‌گرد به معنای حذف کسب‌وکارهای کوچک نیست، بلکه به معنای حمایت از فروشنده منصف و برخورد با متخلف است. مردم حق دارند کالای خود را با قیمت شفاف و وزن واقعی بخرند. نظارت بر این حق ساده، آزمونی برای جدیت مدیریت شهری و دستگاه‌های مسئول در صیانت از اعتماد عمومی است.

یادداشت

شبکه‌های آدم‌ربایی چگونه نفس می‌کشند؟



حسین فصیحی

دبیر گروه حوادث

جرائم آدم‌ربایی، شکنجه و اخاذی افغان‌های شکنجه‌گر علیه هم‌وطنانشان، در پرونده‌هایی که پای شبکه‌های سازمان‌یافته و فرامرزی در میان است همچنان در حال شکل‌گیری است. تکرار پرونده‌هایی که در آنها افراد با وعده کار، درآمد یا سفر به اروپا فریب می‌خورند، به مخفیگاه‌ها منتقل می‌شوند و زیر شکنجه قرار می‌گیرند تا خانواده‌هایشان برای آزادی آنها پول بپردازند، زنگ خطری جدی برای امنیت عمومی و اقتدار قانون است.

در این پرونده‌ها، مجرمان با ارسال فیلم‌های دلخراش از شکنجه گروگان‌ها، خانواده‌های آنها در افغانستان یا پاکستان را به مرز فروپاشی روانی می‌کشانند. بریدن اعضای بدن، ضرب‌وجرح شدید و تهدید به قتل، ابزارهایی برای گرفتن پول از خانواده‌هایی است که گاه هزاران کیلومتر دورتر، تنها راه نجات عزیزانشان را پرداخت باج می‌دانند. ترس از بازداشت و اخراج نیز باعث می‌شود بسیاری از قربانیان یا خانواده‌هایشان از مراجعه به پلیس خودداری کنند. این یعنی مجرمان از ترس و آسیب‌پذیری قربانیان، برای خود حاشیه امن ساخته‌اند.

وقتی پرونده‌های مشابه در استان‌های تهران، قم، خراسان و مناطق شرقی کشور شکل می‌گیرد، دیگر نمی‌توان با چند بازداشت پراکنده و اعلام خبر دستگیری، مسئله را حل‌شده دانست. این جرائم نشانه فعالیت شبکه‌هایی است که برای فریب قربانی، انتقال او، نگهداری در مخفیگاه، ارتباط با خانواده و دریافت پول، تقسیم کار و ارتباطات مشخص دارند. مقابله با چنین ساختاری، نیازمند شناسایی تمام حلقه‌های شبکه، از عوامل داخل کشور تا رابطان آن سوی مرزهاست.

نگران‌کننده‌تر آن است که بنا بر گزارش برخی پرونده‌ها، تعدادی از متهمان سابقه ارتکاب جرائم مشابه دارند و پس از تحمل محکومیت و اخراج، بار دیگر به کشور بازمی‌گردند و فعالیت مجرمانه خود را از سر می‌گیرند. اگر مجرمی پس از چند بار بازداشت و محکومیت همچنان قادر است با هویتی تازه به چرخه جرم بازگردد، باید پرسید سازوکارهای شناسایی هویت، ثبت سوابق و کنترل ترددهای مرزی چه نقصی دارند؟ این پرونده‌ها توان پلیس، دستگاه قضایی و نهادهای امنیتی را نیز درگیر می‌کنند. در شرایطی که کشور با محدودیت منابع و خسارت‌های ناشی از جنگ مواجه است، صرف امکانات گسترده برای تعقیب شبکه‌هایی که امکان شناسایی و مهار زودهنگام آنها وجود داشته، یک هزینه مضاعف بر جامعه تحمیل می‌کند. افزون بر آن، نگهداری محکومان در زندان و پیگیری پرونده‌های متعدد، هزینه‌هایی است که در نهایت از منابع عمومی پرداخت می‌شود.

در این میان، نقش صاحبان املاک نیز نباید نادیده گرفته شود. باغ، ویلا، خانه و حتی کارگاه‌هایی که آگاهانه در اختیار اتباع غیرمجاز قرار می‌گیرند، ممکن است به مخفیگاه شکنجه و نگهداری گروگان تبدیل شوند. قانون باید برای کسانی که با علم و آگاهی، محل ارتکاب چنین جرائمی را فراهم می‌کنند، مجازات‌های سنگین و بازدارنده پیش‌بینی کند. مردم باید بدانند اجاره دادن ملک بدون احراز هویت و بررسی متعارف مدارک مستأجر، به‌ویژه در موارد مشکوک، می‌تواند امنیت خودشان و دیگران را به خطر بیندازد. نظارت بر قراردادها و گزارش رفت‌وآمدهای غیرعادی، بخشی از مسئولیت اجتماعی در پیشگیری از این جرائم است.

موضوع مهم در این باره اینکه ساختار قانونی کشور باید از مرحله واکنش به جنایت عبور کند و به مرحله پیشگیری برسد. شناسایی هویت واقعی مجرمان، ثبت سوابق قابل اتکا، کنترل مؤثر مرزها، برخورد با شبکه‌های فرامرزی ضرورتی امنیتی و اجتماعی است. هیچ قربانی نباید به دلیل نداشتن مدارک اقامتی از حمایت قانون محروم بماند و هیچ مجرمی نباید از ترس قربانیان برای خود مصونیت بسازد.



اخاذی با فیلم سیاه

مردی که متهم است پس از تعرض به یک زن جوان، با تهیه فیلم از این ماجرا و تهدید به انتشار تصاویر خصوصی، بارها از او اخاذی کرده‌است، در عملیاتی از سوی کارآگاهان پلیس آگاهی در غرب تهران دستگیر شد.

به گزارش «جوان»، رسیدگی به پرونده تعرض به زنی جوان پس از مراجعه وی به پلیس آگاهی و ثبت شکایت درباره تعرض و اخاذی آغاز شد. شاکی در اظهارات خود اعلام کرد مردی که پیش‌تر اعتماد او را جلب کرده‌بود، با ورود اجباری به منزلش به وی تعرض و از این ماجرا فیلم تهیه کرده‌است. بر اساس شکایت مطرح‌شده، متهم پس از این اقدام، با در اختیار داشتن تصاویر خصوصی شاکی، او را به انتشار آنها تهدید و از این طریق در چندین نوبت مبالغی از وی اخاذی کرده‌بود.

با ثبت شکایت، کارآگاهان پلیس آگاهی تحقیقات تخصصی برای شناسایی متهم را آغاز کردند. مأموران با بررسی اظهارات شاکی و مستندات ارائه‌شده، سرانجام هویت مرد مورد نظر را شناسایی و مخفیگاه او را در محدوده بزرگراه آیت‌الله کاشانی در غرب تهران کشف کردند. در ادامه، متهم طی عملیاتی پلیسی دستگیر و برای انجام تحقیقات به پلیس آگاهی منتقل شد.

سرهنگ اصغر خدایی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ، با تأیید دستگیری این مرد اعلام کرد متهم در جریان تحقیقات به ارتکاب جرم اعتراف کرده و پس از تشکیل پرونده و تکمیل مستندات، برای رسیدگی قضایی به مرجع قضایی معرفی شده‌است.